



اعترافات یک معتاد انگلیسی

توماس دکوئینسی

ترجمه‌ی مرضیه خسروی

فهرست:

۷ مقدمه
۱۳ بخش اول
۱۳ اعترافات اولیه
۵۱ بخش دوم
۵۵ لذات مواد مخدر
۶۹ دیباچه‌ای بر رنج‌های [مصرف] مواد مخدر
۸۳ رنج‌های مواد مخدر

بخش اول

اعترافات اولیه

این‌ها اعترافات اولیه، و یا دیباچه داستان ماجراجویی‌های دوران جوانی است که مبنای اعتیاد بعدی نویسنده گردید؛ به نظر می‌رسید این کار به سه دلیل مناسب است:

۱. سؤالی را مطرح و پاسخ قابل قبولی نیز بدان می‌دهد، سؤالی که در طول اعترافات یک معتاد همیشه خودنمایی می‌کند - "چطور ممکن است فرد عاقلی خود را گرفتار چنین مصیبتی نماید، و به شکلی ارادی خود را درگیر چنان حقارتی نماید، و آگاهانه خود را در قید و بند چنین زنجیر هفت بندی نماید؟" - سؤالی که هر چند به نظر می‌آید پاسخ بدان دشوار باشد، اما اگر با عصبانیت با آن مقابله نمایم چون ابلهی سرکش از ما خواهد گریخت، بنابراین ضرورت دارد در این مورد نیز به‌مانند سایر مواردی که نویسنده مطرح خواهد کرد، چاشنی همدردی به کار گرفته شود.

۲. تهیه کلیدی برای [توصیف] برخی از صحنه‌های وحشتناکی که پس از اعتیاد، تمام رویاهای معتاد را در بر خواهند گرفت.

۳. ایجاد برخی جاذبه‌های شخصی در خصوص موضوع اعتراف، فارغ از موضوع اعتراف، زیرا نمی‌توان از جذاب‌تر نمودن نفس اعتراف غفلت ورزید. اگر فردی که "با گاو سروکار دارد" معتاد شود، این احتمال وجود دارد (البته اگر چنان کودن نباشد که اصلاً خواب نبیند) - رویایی درباره گاو ببیند، در حالی که در مورد پیش روی خواننده، او درخواست یافت که فرد معتاد خود را اندیشمند می‌داند، و بر همین اساس نیز، این گونه خیالات عجیب و غریبی که در رویایش می‌بیند (چه خواب باشد و چه بیدار، خواب نیمروز باشد یا شبانگاهی) تنها مختص کسی است که خود معتاد باشد.

"او گمان می‌برد که هیچ امر انسانی برایش ناآشنا نیست."

زیرا در میان شرایط مختلفی که فرد معتاد تصور می‌نماید برای حفظ لقب اندیشمند ضروری است، صرف داشتن ذهنی عالی که قادر بر تجزیه و تحلیل باشد، کفایت نمی‌نماید (هرچند انگلستان در خصوص این گونه تظاهر نمودن‌ها در چند نسل اخیر افراد معدودی را به خود دیده است؛ دست کم، نمی‌توان نامزدی را برای کسب این افتخار و نامیدن او به طور خاص به‌عنوان متفکر نکته سنج معرفی نمود، هرچند ساموئل تیلور کالریج در این خصوص استثناست، و در محدوده‌ای مضیق‌تر می‌توان نام درخشان دیوید ریکاردو را نیز بدان افزود) بلکه داشتن توانایی‌های معنوی که به او بصیرتی در جهت مشاهده رموز طبیعت انسان‌ها را عطا نماید، نیز ضرورت دارد؛ خلاصه این‌که این توانایی‌ها را که (از ابتدای خلقت از سوی نسل بشر در این زندگی نهادینه شده‌اند) شعرای انگلیسی در حد بالا و اساتید اسکاتلندی در حد ضعیفی دارا هستند.

اغلب از من پرسیده می‌شد که چطور اولین بار به یک مصرف‌کننده دائمی بدل شدم؛ و در منظر آشنایانم به شکلی غیرمنصفانه زجرآور تلقی می‌شد، زیرا فرض‌شان بر این بود که تمام دردهایی که در طول این مدت

طولانی که به شکلی افراطی صرفاً در پی خلق لذت تصنعی بوده‌ام را کشیده‌ام دوباره به خاطر می‌آورم. اما این درک ناصحیحی از وضعیت من است. واقعیت این است که من قریب ده سال گهگاه و به جهت لذت فوق‌العاده‌ای که در من ایجاد می‌کرد، مواد مخدر مصرف می‌کردم؛ اما مدت‌ها پس از آن که با این دید به موضوع می‌نگریستم، و از آن جا که فاصله میان مصرف دوباره مواد، برای تجدید حس لذت، زیاد بود من از هرگونه آثار سوءمصرف آن برکنار بودم. هنگامی که برای اولین بار مصرف روزانه مواد را آغاز کردم، دیگر مصرف آن برای ایجاد لذت نبود بلکه برای تخفیف درد بسیار شدید بود. در طول عمر بیست و هشت ساله‌ام، شدیدترین درد معده‌ای که تجربه کرده‌ام به حدود ده سال قبل باز می‌گردد، که مرا دچار تشنج وحشتناکی کرده بود. علت ایجاد این درد وحشتناک، گرسنگی فوق‌العاده‌ای بود که در ایام کودکی باعث آزارم شده بود. در طول دوره امید و شادمانی‌های افراطی متوالی (که از سن هجده تا بیست و چهار سالگی است) این درد آرام گرفته بود، اما بعد از فترتی سه ساله دوباره درد به سراغم آمد، و با توجه به اوضاع نابسامان روحی، چنان مرا در بند خود کرده بود که هیچ درمانی جز مواد مخدر برایش پیدا نمی‌شد. سختی‌های دوران جوانی که اولین نشانه آن مشکل معده‌ام بود در خود و در رویدادهای متعاقب‌شان خوشی‌هایی نیز به همراه داشتند، که در این جا به اختصار به آن خواهم پرداخت.

هنگامی که من فقط هفت سال داشتم پدرم فوت کرد، و مرا تحت سرپرستی چهار قیم قرار داد. من به مدارس مختلفی رفتم، کوچک و بزرگ؛ و تمامی آن‌ها خیلی زود به استعداد من در علوم قدیمه به ویژه تسلط بر زبان یونانی پی می‌بردند. در سیزده سالگی، من یونانی را به راحتی می‌نوشتم؛ و در پانزده سالگی تسلط من بر این زبان چنان بود، که نه تنها می‌توانستم اشعار یونانی را به قافیه غزل [انگلیسی] درآورم، بلکه می‌توانستم بی‌هیچ مشکلی و به سهولت به این زبان تکلم کنم -